

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران، میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم

# شترت

دوشنبه ۲۸ آبان ۱۴۰۳

۱۶ جمادی‌الاول ۱۴۴۶ • ۱۸ نوامبر ۲۰۲۴ • سال بیست‌ویکم • شماره ۴۹۷۸ • صفحه ۱۲

اذان ظهر تهران ۱۱:۵ • اذان مغرب ۱۷:۰۵ • اذان صبح فردا ۵:۱۷ • طلوع آفتاب ۶:۴۴

www.sharghdaily.com

aparat:tasvirshargh

Telegram:SharghDaily

youtube:sharghdaily

twitter:sharghdaily

instagram:sharghdaily1

## یادداشت

## شرح یک ممنوع‌الکاری

## مهدی حبیب‌الهی

مدیر نشر شفاف

در نخستین روز هفته کتاب ۱۴۰۳، پروانه فعالیت نشر شفاف ابطال شد. از ابتدای خرداد ۱۴۰۳ دسترسی این انتشارات به پِنل کاربری‌اش در تارنمای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مسدود شده بود. مسودشدن دسترسی به این سامانه عملا به معنای ممنوع‌الکاری انتشارات است، چراکه همه امور کاری مربوط به ناشران برای اخذ مجوزات از طریق این سامانه انجام می‌شود. به‌عنوان «یک مدیرمسئول انتشارات ممنوع‌الکار» خواستم بگویم:

۱- مطابق تمام آیین‌نامه‌های شورای‌عالی انقلاب فرهنگی و ضوابط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اعمال مجازات‌های محدودکننده علیه ناشران، تنها پس از طرح تخلف در هیئت رسیدگی به تخلفات و رای‌گیری و تصمیم این هیئت قابل اعلام است. اولاً در این هیئت ناشر امکان دفاع دارد، دوم اینکه پس از اعلام رای هم حق اعتراض دارد. پس از طی این مراحل، محدودیت اجراشدنی است. اما در خرداد ۱۴۰۳ بدون اعلام و ابلاغ هیچ تخلفی، نشر شفاف ممنوع‌الکار می‌شود و تا این زمان که بیش از شش ماه گذشته، نه تخلفی به ناشر ابلاغ شده و نه موضوعی در هیئت بررسی طرح شده است. تنها با دستور مدیرکل دفتر توسعه کتاب و کتاب‌خوانی، نشر شفاف ممنوع‌الکار شده و سپس پروانه نشر شفاف هم ابطال شده است.

۲- از وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی تقاضا داریم راهنمایی کنند که آیا اکنون و در این دولت ما باید برای ابتدایی‌ترین حقوق خود نیز با تیم ایشان در چالش باشیم؟ آیا معاونت محترم فرهنگی جدید بنای‌شان از همین ابتدا نادیده‌گرفتن قوانین و ضوابط و آیین‌نامه‌هاست؟

۳- در چند روز قبل همه قوانین و آیین‌نامه‌ها و ضوابط را مرور کردم. نکته جالب اینکه در سخت‌گیرانه‌ترین مجازات‌هایی که برای ناشران در نظر گرفته شده، نیز چیزی به نام ممنوع‌الفعالیتی یا ابطال پروانه نشر نداریم. مجازات‌های اعمال‌شده از نوع محدودیت‌های زمان‌دار یا جلوگیری از نشر یا پخش برخی آثار است.

۴- عرضم با وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی این است که جناب وزیر! شما فکر می‌کنید که من به‌عنوان یک ناشر خُرد چقدر وقت و انرژی و پول دارم که صرف مواجهه و مقابله با این اقدامات کنم. ۵- شایسته است که دوستان در وزارتخانه فرهنگ و ارشاد اسلامی مروری بر پرونده استارلینک که در وزارتخانه ارتباطات در حال پیگیری است، داشته باشند. استارلینک وارد ایران شده، به‌سرعت در حال نصب در شمارگان بسیار بالا در سراسر کشور است و هیچ‌یک از پیگیری‌های حقوقی ایران در مجامع بین‌المللی نیز به ثمر نرسیده و در همه موارد دعای و درخواست‌های ایران رد شده است. خیلی ساده بگویم، به این معنی است که ایرانیان از این پس به مدد تکنولوژی استارلینک به اینترنت کاملاً آزاد و بدون هیچ‌گونه فیلتری دسترسی دارند. تنها محدودیت فعلی هزینه بالای این سرویس است که این هم مانند همه تکنولوژی‌هایی که قبل‌الظهور کرده‌اند، به‌مرور ارزان‌تر و در دسترس‌تر خواهد شد. به بیان ساده، کل هزینه‌ای که ایران برای فیلترینگ می‌کند، بی‌اثر می‌شود. عنقریب است که در حوزه نشر کتاب نیز این اتفاق بیفتد و همه نویسندگان و مترجمان و ناشران روی آورند به «راهی دیگر» برای عرضه آثار خود. لطفاً بفرمایید برنامه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و تیم اداره توسعه کتاب و کتاب‌خوانی برای این حالت چیست؟



در نزدیکی شهر ایزدخواست و آباده استان فارس دژی ۵ طبقه با امکاناتی نظیر بالکن و حیاط و کوچه وجود دارد. شاید این معماری برای امروز ساده باشد ولی این آثارمان مربوط به دوره ساسانیان است و حدود ۱۸۰۰ سال پیش توسط ایرانیان ساخته شده و تا ۱۲۰ سال قبل قابل سکونت بوده است.عکس: احمدرضا مداح، فارس

# قتل سلامت و سکوت رسانه‌ها



بابک زمانی

نورولوژیست

که برخی پزشکان در شهرهای بزرگ در شرایط غیروارزانس برای عمل‌هایی که شاید تا این درجه از اولویت نباشند مطالبه می‌کنند، به حساب این‌گونه طبیبان هم گذاشت. اینکه درمان‌های اورژانس در کشور ما هنوز کم‌وبیش انجام می‌شود، تنها به همت و غیرت و ارزش‌های انسانی طبیبان عمدتاً جوان است و چنین برخوردهایی



آنچه گذشت

## «سَنی گَترین، سَنه دِیِرِ گَت!»



امیر سیدین

او اما مانند اعم مزدوران شوروی، سرنوشت تلخی یافت. با خروج نیروهای شوروی از ایران، نیروهای فرقه دموکرات آذربایجان-که خود را فداییلر می‌خواندند- تحت فشار نیروهای حکومت مرکزی قرار گرفتند که تهران برای اعاده حکمیت خود بر آذربایجان به این منطقه گسیل داشته بود. پیشه‌وری در چنین شرایطی تلگرافی به میرجعفر باقراف، دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست آذربایجان- همان‌کسی که درواقع استعداد او در خیانت به تمامیت ارضی سرزمین مادری را کشف کرده بود- نوشت: «پدر عزیز و مهربان، خلق آذربایجان جنوبی، مانند همه خلق‌های جهان، چشم امید خود را به خلق بزرگ شوروی و دولت شوروی دوخته است». پس از این نامه، پیشه‌وری در ۱۷ آذر ۱۳۲۵، نامه‌ای به استالین نوشت که در آن از او درخواست می‌کرد: «مقدار کمی سلاح به ما داده شود، زیرا اگر سرکوب‌ها به این روال پیش رود، جدایی [آذربایجان از ایران] دیگر ممکن نخواهد شد.

نامه پیشه‌وری از طرف استالین پاسخ داده می‌شود: «به نظر می‌رسد شما در بررسی وضع داخلی ایران و همچنین بُعد بین‌المللی مسئله دچار اشتباه شده‌اید.»

به هر ترتیب در پاییز ۱۳۲۵، سرهنگ قلی‌اف، معاون وزیر امنیت جمهوری آذربایجان شوروی، سیدجعفر پیشه‌وری را فرامی‌خواند تا به او ابلاغ کند که از رهبری فرقه کنارگیری کند. این به معنای پایان عمر بهره‌گیری از او نزد سران شوروی بود. پیشه‌وری مستاصل می‌گوید: «آخر منظور می‌شود که من به این سادگی استعفا کنم؟ این رفتار جوانمردانه‌ای نیست از سوی رفقای شوروی» و سرهنگ قلی‌اف، در پاسخ به‌تندی می‌گوید: «سَنی گَترین، سَنه دِیِرِ گَت!» (همان‌کسی که تو را آورده، به تو می‌گوید برو).

سیدجعفر پیشه‌وری نهایتاً به آذربایجان شوروی گریخت و یک سال بعد از فرار، پس از مشاجره لفظی با میرجعفر باقراف که حالا صدر وزیران



در نزدیکی شهر ایزدخواست و آباده استان فارس دژی ۵ طبقه با امکاناتی نظیر بالکن و حیاط و کوچه وجود دارد. شاید این معماری برای امروز ساده باشد ولی این آثارمان مربوط به دوره ساسانیان است و حدود ۱۸۰۰ سال پیش توسط ایرانیان ساخته شده و تا ۱۲۰ سال قبل قابل سکونت بوده است.عکس: احمدرضا مداح، فارس

instagram:sharghdaily1

twitter:sharghdaily

youtube:sharghdaily

بدون تردید تأثیری جبران‌ناپذیر بر این عزم و اراده می‌گذارد. تأثیری که برخورد رسانه‌های عرصه عمومی می‌تواند از شدت آن بکاهد یا بر آن بیفزاید. برخورد و فریاد در حلقه بسته جامعه پزشکان، همچون فریاد در چاه، تنها انعکاسی در خود چاه پدید خواهد آورد.

برخوردهای خشنونت‌آمیزی که این بار به مرگ انجامید، بارها و بارها با این‌گونه پزشکان و پرستاران و سایر کادر درمان، به‌خصوص آنها که کف اورژانس با بیمار و همراه و... درگیرند، دیده شده است و هر بار جامعه مدنی و رسانه‌ها که در اکثر موارد حساسیت بالایی در مسائل خطیر اجتماعی دارند، به نوعی برخورد می‌کنند که گویا دفاع از جامعه پزشکی نوعی کسر شان روشنفکرانه به حساب می‌آید و وقتی به زان می‌آیند، آخرین خاطره ناخوشایند از پزشک و بیمارستان در ذهن ایشان مرور می‌شود. ضمن تأیید تمامی مشکلاتی که قابل انکار نیستند، باید گفت این مسائل و

این خشنونت‌ها بیش از هر چیز به سلامت مردم ارتباط مستقیم پیدا می‌کند نه منافع پزشکان. راه‌حل نیز سواى اصلاح زیرساخت‌هایی که از عهده جامعه پزشکی خارج است و باید مورد درخواست عمومی قرار بگیرد، برخورد و فرهنگ‌سازی در گفتمان عرصه عمومی و در درجه اول اصحاب رسانه است. تلاش در گفتمان بسته جامعه پزشکی که متأسفانه به‌طور موازی با گفتمان جامعه مدنی قرار گرفته است، به تنهایی راه به جایی نخواهد برد و دفاع هنرفی پزشکان از همکاران خود به حساب خواهد آمد. آیا این دو خط موازی روزی یکدیگر را قطع خواهند کرد یا نه؟

## خبرخوانی

## مرگ یک خبرنگار



روز شنبه خبر رسید که «خانم زینب علیپور»، روزنامه‌نگار پرتلاش و همکار گروه رسانه روزنامه جام‌جم، درگذشت. او که بیش از دو سال با بیماری نارسایی کلیوی مبارزه می‌کرد، از محل کارش در پی عارضه تنفسی به بیمارستان منتقل شد و متأسفانه شب‌هنگام بر اثر ایست قلبی به رحمت الهی پیوست. یکی از همکاران او نوشت: «یک دختر جوان، یک روزنامه‌نگار باسابقه، مشکل کلیوی داشته، پشت میز کارش حالش بد می‌شود، او را منتقل می‌کنند به بیمارستان شهید؛ بیمارستانی که با آن وسعت، دستگاه دیالیز نداشته و دختر از دست می‌ره؛ به همین راحتی!».

این خبرنگار ۳۳ساله، با سابقه بیش از ۱۰ سال در عرصه خبر حضور فعال داشت. همچنین یکی دیگر از اهالی مطبوعات نوشت: «خبر تلخ درگذشت خانم علیپور را در بیمارستان شهدای تجریش خواندم و بسیار متأثر شدم؛ این خبر مرا به یاد ماجرای مشابه انداخت. در سال‌های نه‌چندان دور، خانم نوا ذاکری، خبرنگار روزنامه قانون، به علت همین مشکل دیابت به کما رفت و در بیمارستان شهدای تجریش بستری شد. همکاران روزنامه تلاش بسیاری کردند، در بیمارستان مستقر شده بودند و نودشان را به آب و آتش می‌زدند. اما مسئولان اورژانس بیمارستان به این بهانه که «کار از کار گذشته است»، از انتقال ایشان به بخش و رسیدگی بیشتر خودداری می‌کردند». این همکار در ادامه به پیگیری‌هایی که وزیر بهداشت و یک نماینده در آن زمان برای برگرداندن این خبرنگار به زندگي انجام دادند، نوشته است. شنبه‌شب در گروه‌های مختلف خبرنگاری به تلخی از این اتفاق یاد می‌شد و از اینکه به همین راحتی یک دختر جوان از دست رفته است، ابراز تأسف می‌شد. دیروز صبح مراسم خاکسپاری او در قطعه ۷۵ بهشت زهرا(س) برگزار شد و قرار است مراسم تحريم این خبرنگار روز سه‌شنبه، ۲۸ آبان‌ماه ساعت ۱۴ الی ۱۶ بر سر مزارش برگزار شود.

## آمارخوانی

## آمارهای عجیب

دیروز محمد اسماعیل مطلق، رئیس دبیرخانه شورای‌عالی سلامت و امنیت غذایی، اعلام کرد این دبیرخانه، هشت سال پس از تأسیس در ۶۸ دانشگاه نمایندگی دارد و هفت وزیر و ۹ معاون رئیس‌جمهور و دستگاه‌های مختلف عضو این شورا هستند. او به نکته دیگری نیز اشاره کرد که به نظر جای سؤال و اثبات دارد؛ او گفت: «امید به زندگی در ایران برای مردان ۷۵ سال و برای زنان ۷۸ سال است؛ اما هدف بالاfrن امید زندگی به بالای ۸۰ سال است و اما نظری کیفی امید به زندگی افزایش پیدا کند». او اشاره کرد که تاکنون بیش از ۱۸ سند نوشته شده و مهم‌ترین سند، سند امنیت غذایی و تغذیه است و ادامه داد: «هزار نفرساعت از اساتید مشارکت داشتند و بیش از ۲۰۰ راهبردارند و تا سال ۱۴۱۱ تصویب شده و اگر اجرایی شود در آینده سفره مردم غذای سالم مورد استفاده قرار گیرد». او در بخش دیگری از سخنانش اشاره کرد: «ایران جزء ۱۰ کشور حادّه‌خیز دنیااست.»

## پیشنهادخوانی

## زن‌کُشی

کمیسیون زنان بنیاد باران به مناسبت ۲۵ نوامبر، روز جهانی منع خشونت علیه زنان، نشست تخصصی با عنوان «زن‌کُشی» برگزار می‌کند. در این نشست، کتابیون مصری مدیر آن است و شهیندخت مولاوردی (حقوق‌دان و معاون اسبق امور زنان و خانواده)، الهه کولایی (استادتمام دانشگاه تهران)، کامبیز نوروزی (حقوق‌دان) و شهناز سجادی (دستیار اسبق حقوق شهروندی)، حضور دارند و درباره شرایط اکنون و اتفاقاتی که رخ می‌دهد، سخن خواهند گفت. این نشست سه‌شنبه ۲۹ آبان ۱۴۰۳ از ساعت ۱۵:۳۰ در انجمن اسلامی جامعه پزشکی ایران، جنب مسجدالنبی در خیابان زنجان شمالی برگزار می‌شود.



**۸۵ درصد**

مدیرعامل سازمان حمل‌ونقل شهرداری تهران گفت: «متأسفانه ۴۲ درصد از فوتی‌ها و آسیب‌دیدگان در صحنه تصادفات در یک سال گذشته مربوط به موتورسواران بوده که حدود ۸۰ درصد آنان به دلیل آسیب‌های جسمی به ناحیه سر جان باختند». او در ادامه گفت: «حدود ۲۰ درصد از امار فوتی‌ها مربوط به عابران پیاده و مابقی مربوط به خودروهای سواری است». پوریا علمبردانی در ادامه گفت: «نابراین یکی از مهم‌ترین درخواست‌ها، بحث استفاده از کلاه ایمنی برای موتورسواران است.»

**۳۵۰ هزار کودک**

چند روز پیش خبری در رسانه‌های جهان منتشر شد که برگرفته از مصاحبه یک زن باکتاب کینس بود. آلیسا اوگلتری، اهل تگزاس، رکورد خود را در کتاب رکوردهای کینس در «بیشترین اهدای شیر مادر به نوزادان» شکست. او در ۱۴ سال گذشته دوهزار ۶۰۰ لیتر شیر مادر را به نوزادانی که به شیر مادر نیاز دارند، اهدا کرده است. او تاکنون به بیش از ۳۵۰ هزار کودک کمک کرده است. تا به حال پزشکان دلیل علمی موچهی را برای تولید بیش از اندازه شیر توضیح نداده‌اند.

**۱۲ اینفلوئنسر**

تسنیم؛ رئیس ستاد گردشگری شهرداری تهران با اشاره به اینکه در سال جاری حدود ۱۲ نفر از اینفلوئنسرهای خارجی در قالب تورهای دو س‌ه‌نفره به تهران سفر کرده‌اند، افزود: «سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، مسئول شناسایی، برنامه‌ریزی و دعوت از اینفلوئنسرهای ما در شهرداری تهران میزبان حضور آنها هستیم». این مسئول درباره رقم دقیق قرارداد و هزینه حضور این افراد و نحوه پرداخت آن نکته‌ای نگفته است.